

گزارش سفر ایران

نرگس جهان*

اینجانب به دعوت دولت جمهوری اسلامی ایران برای شرکت نمودن در یک دوره تکمیلی برای مدت شش ماه در روز چهارم فوریه ۱۹۹۲ میلادی عازم ایران گردیدم. این روز در زندگی من نه تنها تاریخی بود، بلکه با نهایت خوشی و شادمانی مانند روزهای عیدالفطر بود. چرا که این آرزوی قدیم من بود که برآورده شده بود. چون پول زیاد نداشتم لذا دوتا النگوی طلایی خود را فروختم تا پولی همراه داشته باشم. چون النگو برایم بیش از این سفر نبود و برای این کار هیچ موقع تأسّف نخوردم. برای این بنده بازدید از سرزمین ایران آرزوی دیرینه‌ای بود. واقعاً خود را خوشبخت و سعادتمند حساب می‌کنم که آرزویم برآورده شد. همان روز با هواپیمایی هما به فرودگاه مهرآباد رسیدیم. آنجا آقای سید اختر حسین کاظمی استاد زبان و ادبیات فارسی دانشگاه جواهرلعل نهر، دهلی‌نو برای استقبال آمده بود. او قبل از ما همه خودش و خانم قمر غفّار در ایران بودند. با همراهی ایشان من به خوابگاه متاهلین رسیدم. آنجا م. خاتمی منتظرمان بود لذا با وجود آن‌ها هیچ‌نوع احساس بیگانگی نکردم. در همان‌جا با سید حسن عباس^۱ ملاقات کردیم و به کمک او با آقای دکتر هاشمی و همسرش و با آقای نوشاهی ملاقات کردیم که با عائله‌اش در آنجا زندگی می‌کردند. در دوران مسافت خویش هر موقع که احساس تنهایی داشتم و مسافرت می‌کردم همیشه به‌خانه‌ی ایشان می‌رفتم و در خانه‌ی ایشان کمی احساس غربتم کم می‌شد.

* استاد فارسی دانشگاه دهلی، دهلی.

۱. الان استاد زبان و ادبیات فارسی در دانشگاه هندوی بنارس.

در موقع خداحافظی خواهر بزرگم همسر آقای پروفیسور نورالحسن انصاری به من گفته بود وقتی که به حمام می‌روی از درهای آن‌جا مواظب باش چون به خوابگاه رسیدم، خانم قمر غفار گفت که اینجا خیلی سرد است. قبل از حمام اول آبگرمکن را روشن کن. من به گفته خانم عمل کردم، همچنان‌که در را بستم آبگرمکن را روشن کردم از دود آن حمام تاریک شد و من از تاریکی ترسیدم و شروع به کمک خواستن کردم، ولی این حمام آن‌قدر دور بود که کسی به فریاد من نرسید، لذا سوره یاسین خواندم و بعد از سعی بسیار در باز شد، دیدم که قفل مشکل نداشت ولی ترس درونم آن را مشکل و پیچیده کرده بود. من با رنگ پریده به اتاق خانم قمر غفار رفتم و بر حالت زار و ترس خویش شرمنده بودم و زیر لب می‌خندیدم.

در همین سفر برای زیارت به مشهد و قم رفتیم و نیز برای زیارت امام خمینی^(ره) به جماران رسیدم و خانه‌اش را زیارت کردم. در آخر باید اضافه کنم که در کسب تحصیل ناقص بودم و به سوی کمال قدم گذاشتیم.

بعد از ورود به سرزمین ایران می‌خواستم هرچه بیشتر از محضر استادان دانشمندان ایران زمین استفاده کنم. خدمت استاد یگانه و دانشمند فرزانه جناب دکتر سید جعفر شهیدی در مؤسسه دهخدا که رئیس مؤسسه بود رفتیم و همین‌جا با دکتر ستوده که قبلاً آشنایی داشتم، ملاقات کردیم و با استاد شهیدی آرزوی دیرینه خویش را مطرح کردم. می‌خواهم دیوان حسن سجزی را به تصحیح و تدوین به چاپ برسانم. ایشان بعداً به وسیله آقای محمد باقر کریمیان تصویری از نسخه دیوان فراهم کرد که بعداً وقت تصحیح، من از آن استفاده کردم. این اولین نسخه خطی از دیوان حسن بود که به دستم رسید، شرفیاب شدم. بعداً در محضر آقای دکتر دبیرسیاقتی مشرف شدم. ایشان تألیف خود «سفرنامه ناصر خسرو» را به من لطف فرمودند. بعد از مطالعه کتاب مذکور و نظر به زحمات دبیر سیاقتی خواهش کردم که چند جلسه خدمت استاد باشم و مشکلات و سؤالات مورد نیاز را حل کنم. ایشان به من لطف کردند و موقع را فراهم کرد. چنانچه بنده از روز دیگر از محضر استاد دبیرسیاقتی استفاده کرده سفرنامه را خدمت استاد مطالعه کردم. دوران جلسات، فکری به ذهنم رسید که فرهنگی از «سفرنامه ناصر خسرو» که از آن‌ها در سفرنامه خود نام برده است، آماده شود، حتماً این کار علمی خواهد بود.

شروع به این کار کردم و آن را تقریباً به پایان رسانده‌ام که تا هنوز چاپ نشده. در مؤسسه دهخدا در چند کلاس استاد دکتر جعفر شهیدی شرکت کردم و از محضر استاد استفاده کرده، مثنوی مولوی را با دقت نظری و فکری مطالعه کردم.

قبل از عزیمت به ایران آرزو داشتم که تاریخ ایران، دستور زبان فارسی، شعر قدیم و ادبیات جدید را با اساتید ایران بخوانم تا دقت نظری به دست بیاید. چنانچه این پیشنهاد را در حضور استاد محترم جناب آقای دکتر تفضلی، استاد دانشگاه تهران و مسئول گروه دانشجویان خارجی مطرح کردم. ایشان با کمال خوشحالی خواهش مرا پذیرفتند و برنامه کلاس‌ها را بدین قرار درست کردند:

۱. تاریخ ایران: آقای دکتر تجلیل.
 ۲. دستور زبان فارسی: دکتر اسماعیل حاکمی.
 ۳. شعر کلاسیکی: آقای دکتر تفضلی.
 ۴. آیین نگارش، ادبیات جدید و ادبیات بعد از انقلاب: خانم دکتر آموزگار.
- خوشبختانه از درس و تدریس اساتید گرامی استفاده کردم.

کتابخانه دانشگاه تهران یک مخزن گرانبهای دانش و ادب است. در این کتابخانه آثاری در زمینه ادبیات جدید و قدیم از نقاط مختلف کشور به‌ویژه از شبه‌قاره هند موجود است. باید عرض کنم که موضوع رساله دکتری بنده راجع به ادبیات فارسی هند در دوران خلیجیان است. حسن سجزی معاصر امیرخسرو دهلوی و سعدی شیرازی برای غزل‌گویی مشهور و معروف است. دیوانش تا به حال بعد از تصحیح چاپ نشده است. در کتابخانه دانشگاه تهران چندین نسخه خطی از دیوان حسن دهلوی موجود است. دوران نگارش رساله دکتری در نظر داشتم که دیوان مزبور را تصحیح نمایم. بنابراین از این فرصت استفاده نموده، نسخه‌های خطی دیوان مذکور را مورد مطالعه قرار دادم و یک نسخه خطی که فقط مشتمل بر ۴۰ غزل بود و این غزل‌ها روی حاشیه نوشته شده بود، را رونویسی نمودم. چون این کار علمی خیلی وقت می‌خواست، لذا به وزارت فرهنگ برای فتوکپی و فیلم نسخه‌های خطی دیوان خواهش کردم و خوشبختانه وزارت مزبور نظر به اهمیت و ارزش کار، تقاضای اینجانب را پذیرفت. و من منتظر دریافت فیلم مذکور هستم.

دستور زبان فارسی تألیف دکتر خانلری را به زبان اردو ترجمه کرده‌ام و این کتاب زیر چاپ است. در ایران فرصت را مغتنم شمرده اطلاعات دیگر راجع به دکتر خانلری فراهم کردم تا شامل این کتاب کنم.

امروز زنان در صحنه شعر آزاد هستند. اینها و با قلم خود از ایران و انقلاب اسلامی دفاع می‌کنند و شعرای امروز ایران پاسداری خون شهیدان را رسالت سنگین خود می‌دانند.

اینجانب آثار چند تا از خواهران شاعره ایران مانند:

۱. سیمیندخت وحیدی
۲. فاطمه راکعی
۳. صدیقه وسمقی
۴. سپیده کاشانی را برای چاپ در هند انتخاب کرده‌ام. خوشبختانه از درس و تدریس اساتید گرامی استفاده کردم. آثار شاعران انقلاب اسلامی مانند رضا اسماعیلی، جعفر ابراهیمی، قیصر امین‌پور، ساعد باقری و غیره را برگزیده و شعرهایشان را جمع کرده‌ام. هدف بنده این بود که یک کتاب راجع به «شعر انقلاب اسلامی ایران» آماده شود اما به دلیل بیماری ناگهانی نتوانستم دوره تحصیلات را در تهران کامل کنم. در هند راجع به داستان‌نویسی در ایران اطلاعات فراوان به‌ما نمی‌رسد. لذا سعی کردم که اطلاعات وافر راجع به داستان‌نویسی ایران فراهم کنم. این کار علمی هم ادامه دارد. اینجانب یک کتاب کوچک آماده خواهم کرد که شامل داستان‌های کوتاه و تاریخچه داستان‌نویسی در ایران خواهد بود.

دوران اقامت کوتاه خود در ایران کارهای زیر را انجام دادم:

۱. شب‌های بمباران که خاطرات از کودکان و نوجوانان است و ۱۷ حکایت دارد از فارسی به زبان اردو برگرداندم که آماده به چاپ است.
۲. مصاحبه‌ای از اسرای جنگی گرفتم و کتابی به‌عنوان «بهترین و بدترین لحظات از زندگی اسرا» نوشته‌ام که هنوز چاپ نشده است.
۳. زندگی‌نامه شهیدان جنگ تحمیلی.

این هر سه کتاب از دفتر حوزه هنری چاپ خواهد شد. بی‌جا نیست این حقیقت را بپذیرم که بازدید از سرزمین ایران آرزوی دیرینه من بود که خوشبختانه با یاری و همکاری رایزنی فرهنگی سفارت جمهوری اسلامی ایران در هند برآورده شد. بنا بر این وظیفه خود می‌دانم که از سایر مقامات رایزنی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران به‌ویژه از جناب محمد باقر کریمیان رایزن فرهنگی و سرپرست خانه فرهنگ آن‌وقت آقای نورمحمدان از صمیم قلب تشکر کنم. همچنین از استاد محترم و دانشمند معظم جناب آقای دکتر رضا مصطفوی که علاقه مفروطی در اعزام اینجانب نشان دادند، و از هیچ‌گونه کمک و محبت دریغ نفرمودند، تشکر می‌کنم.